



پوهنتون کابل

پوهنځی روانشناسی و علوم تربیتی

دپارتمنت پيداگوزی

روش تدریس مضمون دری در صنوف ابتدائیه

ترقیب کننده: زرغونه " سلیمان خیل "

استاد رهنما: پوهنیار مصطفی " رضایی "

سال: (۱۳۹۶)



پوهنتون کابل

پوهنځی روانشناسی و علوم تربیتی

دپارتمنت پيداگوژي

روش تدریس مضمون دری در صنوف ابتدائیه

ترتیب کننده: زرغونه "سلیمان خیل"

استاد رهنما: پوهنیار مصطفی "رضایی"

سال: (۱۳۹۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

آموزش و پرورش یکی از نهاد های اجتماعی است که زیر بنا اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی آن جامعه را تشکیل میدهد. که وظیفه اساسی آن ارایه آموزش و پرورش افراد آن جامعه می باشد. آموزش و پرورش از عناصر مختلف تشکیل شده مهمترین آن ها که این نظام را برای رسیدن به هدف یاری می رساند صنف و تدریس است.

روش های تدریس نیز یکی از عوامل کمک کننده در این زمینه است. هدف نهایی تدریس به وسیله مجموعه از تکالیف مشتمل بر آگاهی و معلومات مشخص وساخت فکری و فرایند های شناختی تعیین شده است هدف این تحقیق آشنایی معلمان به روش های تدریس در صنوف ابتدایه است. ابتدا روش های تدریس به دو بخش تقسیم شده است. ۱. روش تاریخی ۲. روش های نوین. در آموزش زبان دری از دو جهت به روش های تدریس نگریسته می شود

۱: از جهت رویکردهای ویژه یی آموزش زبان دری مانند رویکرد تحلیلی کلی و ترکیبی. ۲. از جهت روش های عام تدریس مانند روش حرف محور، واژه محور، سخن رانی، پرسش و پاسخ، بحث گروهی و حل مسله، گردش علمی، روش بازی آموزشی از نمونه های است که مورد بررسی قرار گرفته است. و در اخیر در مورد راهبردهای این روش ها و مهارت های زبانی به تحریر آماده است که هر یک از این روش ها خوب یا بد نیستند بلکه روش و شرایط استفاده از آنها باعث قوت ضعف شان شده است. روش تحقیق کتاب خانی بوده و تا حد توان کوشش شده تا از منابع و ماخذ و متعبر علمی در رابطه به روش های تدریس زبان دری و مهارت های زبانی و دریافت مفاهیم از مطالب کتاب و مقالات استخراج گردیده است تا این تحقیق را غنامند سازد.

مفاهیم اساسی

زبان، روش تدریس، خواندن، نوشتن، گوش کردن، سخن گفتن.

آموزش و پرورش یکی از نهاد های اجتماعی است که زیر بنا اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی آن جامعه را تشکیل میدهد. که وظیفه اساسی آن ارایه آموزش و پرورش افراد آن جامعه می باشد. آموزش و پرورش از عناصر مختلفی تشکیل شده است که یکی از مهمترین آنها در این نظام ها برای رسیدن به اهداف آن یاری میرساند صنف و تدریس است. از اینکه تدریس یک فعالیت است، اما نه هر گونه فعالیتی اعمال و فعالیت که به طوری عمده و به اساس هدف خاص انجام میگردد. فعالیت که بر پایه و مطابق وضع شناسی شاگردان انجام پذیرد و موجب تغییرات در آنان گردد. اگر یادگیری را تغییر در رفتار به اثر تجربه بدانیم بدون شک فعالیت که شرایط را برای تغییر فراهم کند و شرایط یادگیری را فراهم کند و یادگیری بهتر صورت بگیرد نیاز است که معلمان از روش های تدریس خاص استفاده کنند در بحث آموزش و پرورش یکی از موضوعات بسیار مهم روش تدریس است که ذهن اکثر دانشمندان این رشته را به خود جلب کرده است چون به مجموعه تدابیر منظمی که مهم برای رسیدن به هدف با توجه به شرایط وامکانات اتخاذ میکند. روش تدریس گفته میشود. در بخش آموزش و پرورش تا به حال در بخشی تدریس روش های زیادی از سوی دانشمندان این عرصه پیشنهاد شده است اما روشن است که هر کدام از نظر به شیوه اجرایی و تاثیر گذاری بالای یاد گیرنده متفاوت است نوعیت هر روش بستگی به موضوع دارد پس باید روش مطابق به موضوع شرایط یادگیری انتخاب شود. قسمی که روش تدریس هر موضوع متفاوت است روش تدریس مضامین در دوره های تعلیمی نیز متفاوت است که نظام آموزشی به سه دوره تقسیم شده (ابتدایه، متوسطه، و لیسه) که از جمله این دوره های یکی هم دوره ابتدایه است. نامهای تعلیمات ابتدایه با تعلیمات اجباری یا آموزش عمومی خوانده شده است (خیدری، ۱۳۹۰).

از آنجاییکه در این دوره ساختار شخصی و رفتار انسان بنیان گذاشته میشود. این دوره را بنام دوره سرنوشت ساز و مثبت دانسته اند (مفیدی، ۱۳۹۰). کوشش ها و تحقیقات فراوان دانشمندان معروفی مانند رسو، پتالوزی، مونته سوری، فروبل، پیازه و جان دیوی نیز موید این مطلب است که تجارب سال های اولیه کودک در چگونگی تشکیل شخصیت و کمال نهایی وی بی نهایت تاثیر گذار است فروبل معتقد است که کودک در محیط غنی و سرشار میتواند علائق خود را از طریق تجربه و فعالیت شخصی رشد دهد. همچنان اندازگیری هوشی کودک توسط بلوم در این دوره نشان می دهد که در حدود ۵۰ فیصد رشد کودکی در دوره کودکی صورت می گیرد (مفیدی، ۱۳۹۰). روان شناسان نیز نشان میدهد که رشد زبان و گفتار یکی از جنبه های اصلی رشد انسان محسوب میشود زبان ذاتا وسیله ای است برای تعداد نا محدود و نامعین از معنا که از طریق نظام رسمیتی محدود صورت میگیرد و نیز راه برای ابراز خواسته ها و نیازها، تبادل اطلاعات و بیان احساس و دیگران (مفیدی، ۱۳۹۰). از این طریق است که کودکان کنترل میشود و کنترل کردن دیگران را یاد میگیرد. برقراری ارتباط با دیگران و تبادل افکار، از بارزترین کارکرد های زبان است. اما همان طوری که ماسن و همکارانش به آن اشاره کرده اند زبان کارکردهای دیگر هم چون درک جامعه و فرهنگ کمک برقراری و تداوم روابط اجتماعی، طبقه بندی مقوله های زبانی و کمک به استدلال را نیز دارد (مفیدی، ۱۳۹۰). اگر چی کودکان مهارت کوش کردن وصحبت کردن را کمتر از طریق آموزش رسمی فرا میگیرد. اما سر انجام با ارتباط متقابل و تعامل با دیگران در محیطی پر انگیز شده است که میتواند

درک کند و ساختار بیان تدریس درست زبان است. که آموختن این زبان به کودکان در این دوره توجه و دقت مستمر و کافی نیاز دارد تا ساختار محیطی برای زبان و سخن گویی فراهم شود. آموزش دری در این دوره یکی از متغیرهای محیطی است که نقش مهم در رشد و پرورش همه جانبه کودکان دارد. برنامه ها در این دوره قسمی فراهم شود که زمینه های مناسب را برای رشد در تمامی جنبه های جسمی، عاطفی، اجتماعی، شناختی، و خصوصا رشد زبان فراهم آورد همچنان از طریق ایجاد تجربه صحت بر افزایش واژه گان گفتار و گنجینه لغات کودکان کمک کند. آموزش درست زبان در این دوره نشان دهنده کسب موفقیت های بیشتر کودکان در سال های تحصیلی بعدی میشود (مفیدی، ۱۳۹۰). بنا بر این با توجه به اهمیت و نقشی زبان در این دوره روی روش های فعال تدریس تاکید دارند (شبییری و همکاران، ۱۳۹۳). در روند تکوینی آموزش و پرورش معلمان و مسولان آموزشی روش ها و مهارت های گوناگون را تجربه کرده اند که امروزه دهها شیوه تدریس در بین معلمان عمومیت دارد و مورد استفاده قرار میگیرد. روش تدریس که در آن بر فعالیتهای شاگردان تاکید شود تدریس فعال نامیده میشود مانند بحث گروهی، داستان گویی، ایفای نقش، و غیره روش های پرسش و پاسخ، گردش علمی که از سلسله روش های فعال نامیده میشود. روش که شاگردان نقش فعال را به عهده دارد معلم نقش رهنما و هدایت کننده را دارد که بدین لحاظ تعامل دو طرفه بین معلم و شاگرد پدید می آید و مهارت های ذهنی سطح بالا فهم، درک، کاربرد، تجربه، تحلیل، قضاوت، و ارزش یابی را تقویت میکند بناً از هدف از این تحقیق بررسی روش های تدریس زبان دری در دوره ابتدائیه است که برای آموختن درست این مضمون چی روش های وجود دارد (رضوی، ۱۳۹۴).

بیان مسئله

همان طور که تدریس هر موضوع و هر زبان استوار به روش و میتود تدریس آن است بنا آگاهی از روش های تدریس نوین ضرورت هر معلم است تا در حیطه تدریس از آن بوجه احسن استفاده کند و زمینه را برای یادگیری مؤثر و بهتر فراهم کرده باشد. چون زبان دری یکی از زبان های ملی و رسمی کشور و یکی از مضامین اساسی در دوره های تعلیمی به خصوص دوره ابتدائیه که اساس دوره های بعدی است میباشد بنا تدریس این مضمون ضرورت به روش های، و فنون و میتود های متناسب به هضم ذهن و سن هر شاگرد دارد. اگر مضمون دری و تمامی مضامین زبان به صورت مطلوب تدریس نشود و یادگیری مؤثر صورت نگیرد مشکلات راهمچون عدم برقراری ارتباط، که یکی از نیاز های اجتماعی انسانه است عدم ابراز نظر، ابراز خواسته ها، نیاز ها، تبادل اطلاعات، بیان واحساسات، درک مفهوم غلط، ناتوانی در تجزیه و تحلیل موضوعات، رشد اجتماعی، درک جامعه و فرهنگ، احترام متقابل بین افراد جامعه، نداشتن املأ و انشأ خوب، خوش نویسی و خوانا نوشتن، روخوانی موضوعات کتاب نداشتن بحث و تحلیل در موضوعات و همچنان پائین آمدن سطح کیفیت تدریس در کشور را به بار خواهد آورد. وضعیت تحصیلی شاگردان فعلی معارف است که اکثراً در روخوانی و تشخیص کلمات و در فهم درست کلمات مشکل دارند حتا اینکه این موضوع در پوهنتون ها و ادارات دولتی نیز راه پیدا کرده است همین است که این نوع مشکلات جامعه و آینده هر کشوری را به عقب مانده گی سوق میدهد. اما اینکه برای تدریس درست این مضمون چه روش های وجود دارد تا با استفاده از آن زمینه های یادگیری مضمون دری برای متعلمین بیشتر تسهیل شود مساله این تحقیق است. تدریس در دوره ابتدائی توجه زیادی تثبیت به دوره های بعدی دارد یعنی در این دوره شاگردان با محیطی بنام مکتب های آشنا میشوند بنا نقش مؤثر و کلیدی آشنا ساختن شاگردان با این محیط را معلم به عهده دارد که اگر با یک روش خشن و غیر قابل اطمینان با شاگردان خود روبرو گردد روحیه شاگردان را در قسمت یادگیری بسیاری ضعیف می کند و شاگردان حتا با این روش استاد از آموزش دل سرد گردیده و از مکتب دوری می جویند بنا معلمی که در سطوح ابتدائی تدریس می کند باید با روش های نوین تدریس پرسش و پاسخ، حل مسئله، ایفای نقش، سیرعلمی، بحث گروهی، و غیره روش های که لازم این دوره است آگاه باشد و در قسمت تدریس خود از آن ها استفاده کنند تا از بروز مشکلات ذکر شده جلوگیری شود.

اهمیت و ضرورت

زبان مهمترین وسیله ای است که میتواند افراد جامعه را به هم پیوند دهد و یک واحد اجتماعی را بوجود بیاورد. زبان مهمترین نهاد اجتماعی است و وسیله ای است برای بیان افکار و احساسات انسانها. تدریس زبان دری یا آموزش مهارت های زبانی در دوره ابتدایه از اهمیت به سزایی برخوردار است زیرا نه تنها در تعلیم روابط اجتماعی مؤثر است، بلکه یادگیری سایر مواد درسی و علوم را تسهیل می بخشد. سخن گفتن، گوش دادن، خواندن، و نوشتن از جمله مهارت های زبانی است که اساس یادگیری، افهام و تفهیم بین معلم و شاگرد را تشکیل میدهد لذا در فرایند یاددهی و یادگیری همه درسها اهمیت دارند. نخستین و اساسی ترین نقش زبان ایجاد ارتباط بین انسانهاست. زنده گی حیات انسان دارای صبغه اجتماعی است و این ویژه گی باعث میشود که به ابزار کار آمد و پویا برای برقراری ارتباط نیاز داشته باشد. همه ما در محیط های متفاوت اجتماعی خود از جمله در خانواده مدرسه و در مسایل اداری آموزشی بازرگانی در استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و کتاب و همچنین در ده ها نقش دیگر، در هر روز چندین ساعت از زبان دری استفاده میکنند. مهمترین نقش زبان نقش ارتباطی است بر علاوه باعث ایجاد ارتباط میان افراد و جامعه شده به فرد باعث اعتماد به نفس شده یادگیری خوبتر صورت گرفته شاگردان می توانند خوب بنویسد خوب نوشتن و خوانا نوشتن از جمله موضوعات مهم زبان دری است دهمچنان وسیله است برای ابراز خواسته ها و نیازها، تبادل اطلاعات بیان احساسات و درک جامعه و فرهنگ طبقه بندی مقوله های زبانی و کمک به استدلال بنا براین اموختن زبان دری دوره ابتدایه توجه و دقت کافی نیاز دارد تا ساختار محکم برای پایه های تحصیلی فراهم آورد از اینکه در کشور های جهان سوم به دوره ابتدایه انقدر توجه صورت نمی گیرد و اساتید از روش های خاص تدریس در این دوره آگاهی کامل ندارد باعث یک سلسله مشکلات درسی و یادگیری در جامعه به وجود آورده است. بنابراین توجه اهمیت، و نقش این مضمون در دوره ابتدایه در رشد زبان کودکان و مهارت های گفتاری در دست یابی به اهداف فردی و اجتماعی ضرورت به این تحقیق شد (مفیدی، ۱۳۹۰).

اهداف

۱. آشنائی با مهارت های زبانی در دوره ابتدایه
۲. انتخاب نمودن راه بردهای مناسب در جریان یادگیری و یاد دهی در مضمون دری
۳. آشنائی با انواع روش های تدریس زبان دری

سوالات

۱. مهارت های زبانی در دوره ابتدایه کدام ها است؟
۲. کدام راهبرد ها در جریان یادگیری و یاد دهی مؤثر است ؟
۳. کدام روش ها در تدریس زبان دری مورد استفاده قرار میگیرد؟

زبان

تعریف زبان

زبان مجموعه‌ای از علایم صوتی، اکتسابی و قرار دادی است که افراد جامعه آنرا به منظور افهام و تفهیم به کار می‌برند (زندگی، ۱۳۹۱، ص ۶۷).

زبان مهمترین وسیله است که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد و یک واحد اجتماعی را به وجود می‌آورد زبان وسیله است برای بیان افکار و احساسات انسانها. برنامه درسی زبان آموزی یا آموزش زبان در میان برنامه‌های دیگر از اهمیت به سزایی برخوردار است زیرا نه تنها در تعلیم و تربیه و روابط اجتماعی مؤثر است، بلکه یادگیری سایر مواد درسی را تسهیل و آسان می‌کند. نخستین و اساسی‌ترین نقش زبان ایجاد ارتباط بین انسانها است.

زندگی و حیات انسان دارای صبغه اجتماعی است و این ویژه‌گی باعث می‌شود که به ابزار کار آمد و پویا برای برقراری ارتباط نیاز داشته باشد که در آموزش زبان درسی مهارتهای ای زبانی کاربرد بیشتر دارد.

مهارت های زبانی

مهارت های زبانی از مهمترین ابزار های ارتباطی میان افراد است که انسان از طریق آن به انتقال افکار و اندیشه ها مبادرت میورزد.

کسانیکه در استفاده از مهارت های زبانی و کلامی موفقیت های داشته باشد، مطمئناً از محبوبیت بیشتری برخوردار خواهد بود. به جرأت می توان گفت که مهمترین اصل معلمان ابتدایه به کودکان است. میزان موفقیت (خواندن ، نوشتن ، گوش دادن، و سخن گفتن) آموزش مهارت های هر کودکی

تحصیل، کار و شغل آینده اش به میزان برخورداری او از مهارتهای زبانی بستگی دارد که از طرف معلمانش دریافت کرده است (عارف، ۱۳۹۴، ص، ۱).

خواندن: یکی از مهمترین مهارت های زبانی است که در دوره ابتدایه به طور خاص مورد توجه است.

اولین سطح خواندن روخوانی است.

روخوانی نیز از خود سطوحی دارد که گام اول آن خواندن درست و روان یک متن است. گام بعدی در روخوانی، رعایت لحن و آهنگ متن با توجه به شرایط موجود و متناسب با فضای جاکم بر متن است.

در صنف های درس معمولاً به روخوانی صحیح متن پرداخته می شود اما توجه به لحن و آهنگ آن نیست.

خواندن زیبا مانند دوییدن روح بر پیکره بی جان متن است در صورتی که متن با لحن مناسب خوانده نشود زنده نیست و برای شاگردان جذابیت نخواهد داشت سطح دوم خواندن درک متن است که در یک فرآیند گام به گام این مهات در شاگردان تقویت میشود (اکبری، ۱۳۹۰).

خواندن پایه و اساس همه یادگیری ها محسوب می شود ثابت شده است شاگردانی که در خواندن تسلط بیشتر داشته باشد نسبت به شاگردانی که خواندن ضعیف دارد موفق تر و بهتر عمل میکنند. اکثر والدین سعی دارند که فرزندان شان در خواندن ماهر و متفاوت بادیگران آموزش حاصل کند اما از کاری که انجام می دهند اطمینان خاطر ندارد. در وختند باید چند اصل در نظر گرفته شود

الف (خواندن به صدای بلند را از سالهای ابتدایه برای فرزندان خود بیا موزد

ب (یک کتاب را تکرار و بار بار بخواند

ج (دستیابی به دستکاه های الکترونیک را در خانه محدود کند

د (فرزندان را عضو کتابخانه کند (مورمن، وهالر، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

آنچه که در خوانش اهمیت دارد، توجه به تلفظ واژه ها و جمله های زبان دری است که به درک درست کمک میکند (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۴۱).

خواندن عبارت از دیدن و بازشناسی عناصر نوشتاری زبان واژه، جمله و حروف یک متن است (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۱۷). خواندن نوشتن دو موضوعی است که بیش ترین تأثیر را از بی میلی کودک برای پذیرش قوانین و سازگاری با آنان می گردد موضوع دیگر به این اندازه بانظم رابطه ندارد.

خواندن دو مؤلفه اصلی دارد: ۱. رمزگشایی ۲. درک مطلب

رمز گشایی: جنبه میکانیکی تبدیل حروف چسبیده به زبان بیانی یابه معادل های زبانی بیانی است.

درک مطلب: به جنبه سطح بالاتر خواندن اشاره دارد از طریق آن افراد معنای را از زبان استنباط

میکند (پورسلطانی، ۱۳۹۳، ص ۴۴).

نقش چشم در خواندن: از لحاظ علمی اثبات شده که ما هنگام خواندن به صورت ثابت و یک نواخت به عناصر نوشتاری (حرف، جمله، کلمه) نظر نمی افکنیم ما هنگام خواندن به جهش میکند (حرکات چشم در هنگام خواندن جهش نامیده میشود. زیادتری از مشکلات خواندن شاگردان ناشی از بی توجهی است (زندى، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

مهارت نوشتن: یکی از راه های انتقال اندیشه و احساس نوشتن است. هنگام نوشتن باید از هوش و خرد بهره بگیریم. نوشتن در عین حال که پیچیده ترین مهارت های زبان آموزی است شیرین ترین آن است. پس از تولید شفاهی زبان که فرصت آن در کتاب خوانداری برای شاگردان فراهم شده تولید کتبی در قالب فعالیت های املائی درک متن و نگارش در

کتاب نوشتاری صورت میگیرد. مهارت نوشتن به نویسنده امکان میدهد تا پس از تفکر و تأمل نوشته های خود را باز فکر کند و هرچه در به کار گیری هنجارش تواناتر باشد منسجم خواهد نوشت.

اگر کودک در دوره های بعدی اش نوشته های منسجم داشته باشد، به سهولت بیشتری افکار و اندیشه هایش را بنگارد و افکارش منظم باشد، قبل از هرچیز لازم است باخوب گوش دادن عادت کند. هدایتش کنید تا حرف هایش را پیرامون یک موضوع خارج میشود، باشیوه مناسب با اوضاع و اصول کودک، سخنان او را به سمت موضوع پیش ببرید. به هر حال اگر کودک فرصت صحبت کردن به حد کافی داشته باشد در تعامل ها و گفتگو های صنفی فعالانه شرکت کننده در نوشتن نیز بزودی از مهارت های لازم برخوردار میشود (عصاره، ۱۳۹۱، ص ۳). نوشتن سطوحی دارد که یکی از آن املاً است. املاً نویسی مهارتی است که جز از راه تمرین و تکرار بدست نمی آید (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

نوشتن مهارتی است که تنها یکی از مهارت های تعلیمی به شمار میرود بلکه بخش مهم زندگی روزانه است. توانائی روشن تر و شفاف تر نوشتن برای کسیکه به این مهارت تسلط دارد موفقیت در زندگی محسوب میشود.

علامه های نگارشی: هرچند شاگردان صنف اول کاربرد علامه های نگارشی را درک نمیتواند ولی نوعیت کار برد علامه ها را در صنف بالاتر تقلید در یادگیری شاگردان در بخش های مختلف زبان چه در بخش املائی درست و چه در بخش کاربرد علامه های نگارشی یکی از راه های یادگیری شاگردان است (پور سلطانی، ۱۳۹۳، ص ۱).

املاء: املاء درست نویسی شکل واژه گان و مهارت زبانی است که به اساس نماد ها و نشانه های خط و قواعد نوشتاری زبان، کار

تبدیل زبان گفتاری را به زبان نوشتاری به عهده دارد. املاء نویسی مهارتی است که جز از راه تکرار و تمرین به دست نمی آید و تأکید بیشتر در املاء نویسی روی حافظ دیداری است، حافظه دیداری یا بصری که به رشد آموزش درست نویسی شکل واژه ها بسیار تاثیر دارد یادگیری صحیح املاء تنها از طریق حفظ طوطی وار کلمات حاصل نمی شود به همین سبب آموزش املاء حایز اهمیت است که در املاء نویسی مراحل ذیل باید در نظر گرفته شود:

الف) تمرکز به خوب دیدن

ب) شناخت نشانه ها و نماد های خطی

ج) یاد سپاری شکل نشانه ها

د) به حافظه سپردن تلفظ

ه) تشکیل شکل هر صدا

و) نوشتن شکل درست ترکیبی کلمات (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۴۸).

راه های تقویت املاء در دوره ابتدایه

الف) روان خوانی متن

ب) یادگیری و حفظ حروف الفبای دری

ج) کلمه سازی

د) به کار بردن کلمه های مناسب

ه) یادداشت کردن اشتباهات

و) افزایش گنجینه لغات

ز) ایجاد انگیزه در شاگردان

ط) به کار گیری درست نشانه ها

ح) تشویق تکرار و تمرین زیاد (مرتضی زاده، ۱۳۹۲).

گوش کردن: یادگیری دارای جنبه های مهم است که از بین آن ها می توان به توانایی گوش دادن به حجم زیاد از اطلاعات، تعمین موارد

مهم ربط دادن موارد مهم به دانسته های قبلی برای بازیابی و بیان مجدد اشاره کرد. شاگردان که قادر به درک آنچه گوش می دهند نیست، طبیعتاً در یادگیری موضوعات جدید دچار مشکل است. از سوی دیگر، کودکانی که توانایی خوبی در گوش دادن دارد در تمام تکالیف مکتب، در پیروی از دستورالعمل ها در درک محتوای درسی و در تشخیص انتظارات معلمان و همسالان برتری دارند (پورسلطانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۸). گوش دادن هم به شنیدن سخن گفتن فرد و هم به درک پیام کلامی وی اشاره دارد. گوش دادن مشتمل است به دریافت پیام، اطلاعات، به کار بردن معنا و آرایه شواهدی مبنی بر فهمیدن آنچه که در شنیده شده است. مهارت گوش دادن کارآمدی در بسیاری از موقعیت های گوناگون از جمله عرصه های رسمی، گفتگوها مواجهه با محرک های محیطی شنیداری یا مطالب سمعی بصری لازم (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۷۰). گوش دادن یکی از راه های حسی برای یادگیری است. گوش دادن فرایند است که در طی آن افراد اطلاعات ورودی خود رابطه دانسته های خود وارد میکند. گوش دادن بستری است که از طریق آن اکثر یادگیری ها به وقوع می پیوندد. گوش دادن بیش شنیدن است. گوش دادن شامل فرایند های پیچیده آتی است که با احساس صوت شروع می شود ولی همچنین شامل فرایند کلی استنتاج معنی از واقعه ارتباطی می باشد (پورسلطانی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۷۰).

سخن گفتن: سخن گفتن یکی از مهم ترین مهارت های زبانی است که در دوره ابتدایه به طوری خاص مورد توجه است. و در مقایسه با

آموزش مهارت خواندن و نوشتن توجه نسبت کمی برای کمک شاگردان برای اکتساب مهارت های کارآمد در گوش دادن و صحبت کردن دارد (پورسلطانی، ۱۳۹۳، ص ۳۳). توانایی خوب سخن گفتن عامل مهم در رشد و شکوفایی فکری به شمار می رود از این رو نیکوگفتاری و پرورش فن بیان در فرهنگ اهمیت زیاد دارد (زندگی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴). مهارت سخن گفتن خود شامل چند پاره مهارت میشود که یادگیری و به کار بردن صحیح هر کدام از آن ها بر کیفیت سخن گفتن معلم با شاگرد خواهد افزود (زندگی، ۱۳۹۴، ص ۷۹). چون مهارت سخن گفتن در گفت و شنود و توانایی در ادای مقصود عامل بزرگ برای موفقیت در زنده گی است و تاثیر چشم گیری در یادگیری دارد در این مساله در تدریس زبان دری باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. البته باید توجه داشت که هدف از تدریس زبان دری تنها اینست که در خواندن و نوشتن مهارت یابد بلکه در درست گفتن، خوب سخن گفتن و خوب گوش گرفتن عادت کند (تلاش، ۱۳۸۹، ص ۳۱). بیشترین راه ارتباط میان افراد از طریق سخن گفتن فراهم می شود. و از این طریق دیگران را تحت تاثیر قرار می دهد (پورسلطانی، ۱۳۹۳، ص ۸).

روش های تدریس

تعریف تدریس: از تدریس تعریفی متعددی ارائه شده است. بعضی تدریس را بیان صریح معلم یا مربی در باره آنچه که باید یاد گرفته شود میدانند. گروه دیگر تدریس را همورزی متقابل میدانند که بین معلم و شاگرد و محتوا در کارگاه جریان دارد عده زیاد از متخصصان تعلیم و تربیه (فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوال که یاد گیری را برای شاگرد آسان کند) تدریس نامیده اند. از بررسی تعریف ارائه شده در این زمینه میتوان نتیجه گرفت که تدریس یک فعالیت است، اما نه هرگونه فعالیت که به طوری عمدی و به اساس هدف خاص انجام میگردد فعالیت که بر پایه و مطابق وضع شناختی شاگردان انجام پذیرد و موجب تغییر در آنان گردد. در هر صورت اگر یادگیری را تغییر در رفتار ارگانیسم به اثر تجربه بدانیم بیدون شک فعالیتی که شرایط را برای تغییر فراهم کند و یا ایجاد شرایط که تجربه را آسان نماید و تغییر لازم را در شاگرد سبب شود تدریس گفته میشود. نکته مهم که در فرایند تدریس، معلم باید مشخص کند که به اساس آن محتوا آموزشی را به طریقه درست ارائه کند و متناسب با درک فهم شاگردان باشد انتخاب نمودن روش تدریس است. روش تدریس الگو های رفتاری معلم است که تکرار پذیر میباشد و قابلیت استفاده در تمامی موضوعات درسی را دارا میباشد و پیش از یک معلم اختصاص دارد و به امر یادگیری ارتباط پیدامیکند و یا به مجموعه تدابیر منظمی که معلم برای رسیدن به هدف با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ میکند روش تدریس گفته میشود. عده هم آن را فرایند عقلانی یا غیر عقلانی یا غیر عقلانی ذهن برای دست یابی به شناخت و یا توصیف واقعیت است که نهایتاً به یادگیری منجر میشود هر روش دارای شرایط خاصی است یک روش مطلوب بیش از هر چیز باید بر پایه بیالوژیکی و روانی رفتار انسان هماهنگی داشته باشد (دانش پژوه، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

روش تدریس شیوه کار معلم را در صنف شکل میدهند فرصت های مناسب را برای یادگیری شاگردان فراهم میکند. روش تدریس پشت کار شاگردان را افزایش میدهد (رحیمی مند، ۱۳۹۴، ص ۱۴). یکی از کارآمدترین و اساسی ترین مهارت معلمان

که نقش تعیین کننده در یادگیری شاگردان دارد به کارگیری روش تدریس است (حسن زاده، و معتمدی، ۱۳۹۱، ص ۴).

خصوصیات روش تدریس

۱. وجود تعامل بین معلم و شاگردان
۲. فعالیت به اساس اهداف مشخص از قبل تعیین شده
۳. طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات یادگیری
۴. ایجاد فرصت تسهیل و یادگیری (حضرتی، ۱۳۹۴، ص ۳۵).

روش تدریس درصنوف ابتدائیه معمولاً معلم محور است تا شاگردان محور؛ در حالیکه آموختن زمانی واقعیت میابد که خود شاگردان به طوری فزیک و ذهنی در یادگیری دخالت داشته باشد. و اکثراً معلمان از روش های فعال و خلاق و فناوری اطلاعات به صورت محدود استفاده میکنند امروز تاکید اکثر دانشمندان به روش فعال تدریس است، روش تدریسی که در آن و فعالیت شاگردان تاکید میشود تدریس فعال نامیده میشود. در این روش نقش معلم رهنما و هدایت کننده است در حال که در روش غیر فعال وظیفه اساسی به دوش معلم است (دانش پژوه، ۱۳۸۵، ص ۴۳).

تقسیم بندی روش های تدریس

در مجموع روش های تدریس به دو نوع تقسیم شده است

۱. روش های تاریخی

۲. روش نوین است

روش های تاریخی: در این روش شاگردان با فراگیری موجودی افعالی است و معلم به عنوان انتقال دهنده اطلاعات، مسؤلیت اصلی آموزش را به عهده دارد. و تلاش میکند ذهن شاگردان را با انبوهی از مفاهیم، وا صطلاحات درس ها انباشته سازد و به این ترتیب رفتار آن را نسبت به تغییر دهد. در این نوع روش تدریس، برنامه ای درسی غیر قابل انعطاف است و معلم و شاگردان به اجبار از محتوای مشخص استفاده میکنند. معلم تصور میکند که عامل اصلی تدریس، خود اوست و به عنوان گنجینه معلومات در برابر فراگیرانی یا شاگردان ظاهر میشود. شاید به همین دلیل به این گونه الگوهای معلم محور نیز میگویند.

روش های نوین: در این روش شاگردان و علایق و توانمندی های را در مرکز توجه قرار دارد و معلم تلاش میکند تا توانائی فراگیران را تقویت کند. معلم هنگام تدریس از وسایل و امکانات آموزشی زیادی استفاده میکند و یادگیری مؤثر را از طریق تمرین ها و فعالیت های متنوع به عهده فراگیرانی می گذارد و آنان را در تحقیق اهداف و یادگیری مفاهیم درس دخالت میدهد. معلم، رهنما و هدایت کننده است که پایه های فراگیری میسر آموزشی را طی میکند و به او کمک میکند تا درس را طوری عمیق و از روی علاقه یاد بیگیرد (مقرب الهی، ۱۳۹۰). در آموزش زبان دری از دو جهت به روش های

تدریس نگرسته میشود نخست از جهت رویکردهای ویژه آموزش زبان دری مانند رویکردهای تحلیلی، کلی و ترکیبی که خود دارای روش های مانند حرف محور، واژه محور، جمله محور، تصویرخوانی، است. دوم از جهت روش های عام تدریس مانند سخن رانی، پرسش و پاسخ، بحث گروهی، حل مسأله، تکرار و تمرین، گردش علمی، ایفای نقش، قصه گویی، و بازی آموزشی که در صنف های ابتدایه در آموزش مهارت های زبانی و ارتباطی میتوان از آن استفاده کرد.

رویکرد تحلیلی

الف: مبانی روان شناختی: به نظر برخی از روان شناسان، انسان هنگام مواجه شدن بایک پدیده، نخست به اجزای تشکیل دهنده آن توجه میکند سپس به ترکیب آن اجزای به کل پدیده پی میبرد و از آن شناخت کافی پیدامیکند بنا براین امریادگیری یک مطلب نیز از یادگیری اجزای آن شروع میکند و به یادگیری کل آن ختم میگردد. بنا بسیاری معتقد اند که در آموزش مهارت های خواندن، و نوشتن زبان اول از جز شروع و بعد به آموزش به صورت کل پرداخت که به نام رویکرد از جز به کل یاد میشود.

روش حرف محوری یا حرف آموزی: کسانی که نظریه آنان را یعنی (حرف بنیاد) نامیده معتقد اند که در شروع برنامه آموزش خواندن، دانش آموزان باید شکل و نام تمام حروف الفبا را بیاموزد و سپس با ترکیب حروف، با آموختن هجا ها و بعد با ترکیب هجا ها، به فراگیر خواندن کلمه و در نهایت با ترکیب کلمات، به یاد گرفتن خواندن جملات بپردازند که این شیوه در مراحل ذیل خلاصه خواهیم کرد:

مرحله اول: آموزش شکل تمام حروف با استفاده از نام آنها، مثل یادگیری شکل <ج>

با استفاده از نام آن یعنی <جیم>. بنا بر این درین مرحله، در چند جلسه آغازین برنامه سعی می شود فراگیران بازگویی و باز شناسی نشانه های حرفی زبان دری را با استفاده از نام شان بیاموزند

مرحله دوم: در مرحله دوم، نخست حروف یاد شده به صورت دو به دو با یکدیگر ترکیب گردیده تلفظ هجا های دو حرفی آموزش داده می شود و در ادامه اندک اندک تعداد حروف افزایش می یابد و هجا ها سه، چهار، و پنج حرفی نیز ساخته می شود.

درین مرحله، هجا های ساخته شده، هم ممکن است جزو عناصر معنی دار زبان بوده و هم ممکن است دارای معنی و مفهومی نباشد. در پایان این مرحله، دانش آموزان می آموزند که حروف سازنده هجا را (هجی) کند، یعنی نام حروف سازنده هجا ها را با تفکیک به زبان آرد.

مرحله سوم: درین مرحله روش حروف محور نوبت به آموزش و خواند کلمات می رسد. درین هنگام کلمه مورد نظر با استفاده از نام حروف سازنده خود هجی می گردد و در قسمت بعدی، همان کلمه با توجه به مصوات های سازنده اش هجی می شود (زندگی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱).

روش آواه محور یا صوت آموزی: در این روش نیز، مانند روش حرف محور، همان فرضیه یادگیری از جز به کل زیر بنای اصلی کار را تشکیل می دهد؛ اما تفاوت آن با روش حرف محور این است که طرفداران آن، نه نشانه های حرفی، بلکه آواه های زبانی را به عنوان کوچکترین عناصر زبانی می شناسد و به این عقیده اند که آموزش در مهارت خواندن و نوشتن باید با آموزش صامت ها و مصوت های زبانی شروع شود و سپس با ترکیب این عناصر آوایی، عناصر بزرگتر یعنی هجا، کلمه و جمله آموزش داده شود. همچنین این روش بر خلاف روش حرف محور مخالف استفاده از نام حروف الفبا در آموزش مهارت و خواندن است.

مراحل مختلف روش آواه محور قرار ذیل است:

مرحله اول: در این مرحله در چند جلسه متوالی، تلفظ مصوات ها و صامت های زبان همراه با شکل نشانه حرفی آنها به دانش آموزان آموزش داده می شود. در این مرحله ممکن است از تصویر نیز استفاده شود مثلاً می توان تصویر از اشیاء، حیوانات و دیگر پدیده ها ارایه کرد که آغاز و پایان آنها مصوات یا صامت مورد نظر باشد.

مرحله دوم: پس از اینکه دانش آموزان با تلفظ و شکل نوشتاری کلی صامت ها و مصواتها زبان آشنا شوند، در این مرحله کوشش میشود تا با ترکیب عناصر یاد شده هجا های مختلف ساخته شود و تلفظ و نوشتن آنها آموزش داده شود.

مرحله سوم: در مرحله پایانی برنامه آموزشی در روش صوت آموزی، کلمات و جملات به دانش آموزان داده میشود و طوری به آنان تمرین میگردد که به تدریج جملات و کلمات را بیاموزند (زندى، ۱۳۹۰).

روش هجما محور: در این روش یادگیری انسان از جز شروع شده و به کل ختم میگردد اما برخلاف طرفداران روش حرف محور و آوا محور کارشناسان که روش هجما محور را پیشنهاد میکنند به این عقیده اند که کوچک ترین عنصر اساسی زبان نه حرف و نه آوا، بلکه هجا های زبانی هستند زیرا هجا پل ارتباطی حروف و آوا ها از یک طرف، کلمات و جملات از طرف دیگر میباشد بنابراین برنامه آموزش مهارت خواندن را طوری تنظیم کرد که در مرحله ابتدا شاگردان خواندن انواع هجا های زبان را که صامت ها و مصوات هاست بیاموزند و در مرحله بعد این هجا را با یک دیگر ترکیب کنند و به این ترتیب به خواندن کلمات و جملات آشنا شوند از امتیازا

ت این روش بر دو روش قبلی (حرف محور و آوا محور) این است که میتوان به انتخاب هجا های که معنا دار هستند، انگیزه ها به مراتب قوی تر را در شاگردان ایجاد میکند (زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶).

مبانی روانشناختی

برخلاف نظریه پردازان رویکرد تحلیلی، گروهی از صاحب نظران علم روانشناسی و در راس همه آنان پیروان مکتب گشتالت معتقد اند که انسان هنگام برخورد با پدیده ها، نخست پدیده ره بطور کلی ادراک می کند و سپس اندک اندک به هجزای سازنده ی آن پی می برند. اینان می گویند، مثلاً هنگامی که ما یک دوچرخه روبرو می شویم، نخست کلیت آن را در نظر میگیریم و سپس به تک تک اجزای سازنده آن توجه میکنیم، پس در برنامه های یاد دهی و یادگیری نیز باید نخست صورت

های کلی را به شاگردان بیاموزیم و سپس با تجزیه این صورت های کلی به اجزای سازنده آنها، شناخت آنان را از ماهیت پدیده ها کامل سازیم. رویکرد مبتنی بر این نظریه ره از جز به کل مینامند.

مبانی زبان شناختی

برخی از کارشناسان امر آموزش خواندن و نوشتن پایه، با تاثیرپذیری از مکتب گشتالت بر این اعتقادند که در هنگام آموزش خواندن و نوشتن نیز باید برنامه آموزشی را از یاددهی صورت های کلی عناصر زبان شروع کنیم و سپس با تجزیه ی آن عناصر به واحد های کوچک تر آموزش را ادامه دهیم. اما، همانند طرفداران (رویکرد تحلیلی)، بین طرفداران (رویکرد کلی) نیز در مورد واحدهای سازنده ی زبان اتفاق نظر وجود ندارد، به همین سبب، این رویکرد آموزشی از (نظر گاه زبان شناختی) به دو روش فرعی زیر تقسیم میشود:

۱- روش اول: که طرفداران آن معتقد اند بزرگترین عنصر زبان که آموزش خواندن و نوشتن را باید با آن شروع کرد (کلمه) یا (واژه) است. به همین علت ما این روش را (واژه بنیاد) دانسته و نام آنرا واژه محور میگذاریم.

۲- روش دوم: که طرفداران آن به این عقیده اند که بزرگترین عنصر زبان (جمله) است و آموزش خواندن و نوشتن را باید با آن شروع کرد. به این علت ما این روش را (جمله بنیاد) دانسته، نام آن را روش (جمله محور) می گذاریم.

روش واژه محور: نظریه یادگیری از کل به جز زیر بنای اصلی این روش را تشکیل میدهد. به نظر طرف داران این روش، بزرگترین عنصر زبان (کلمه) است. بنابر این، برنامه ی آموزش خواندن و نوشتن باید از آموزش کلمه شروع شده، با تجزیه آن به هجا ها، آواها (ساده و تلفظ) و حروف سازنده آن یادگیری صورت گیرد. در این روش شاگردان بدون آنکه نیاز به دانستن نام نشانه های حرفی یا صدای آنها داشته باشند، به سوی آموختن (خواندن و نوشتن) شکل کلی کلمه هدایت میشوند. در این روش برای تسهیل یادگیری از (تکیه گاه تصویری) نیز استفاده میشود. به این ترتیب که در کنار شکل کلی کلمه، تصویری از شیئی عینی آن در جهان خارج نیز قرار میدهند تا شاگردان با مطابقت دادن تصویر و شکل کلمه، آن را به تلفظ در آورند. به این شیوه یا فن شیوه ی (نگاه کن و بگو) گفته میشود. بنابر این، در روش (واژه محور) محتوای درسی طوری تنظیم میشود که کلمات اولیه، مربوط به اشیاء یا پدیده هایی باشند که بشود آن ها را به تصویر کشید. در این روش، در جلسات اول به هیچ وجه در مورد هجا، آوا یا حرف به صورت مجزا بحث نمی شود. بلکه چندین جلسه متوالی به یاد دادن خواندن شکل کلی کلمات اختصاص داده میشود و سپس زمانی که شاگرد خواندن تعداد زیاد کلمه را آموخت تجزیه برخی آنها صورت می گیرد تا آنها با عناصر تشکیل دهنده یا سازنده آن کلمات یعنی هجاها، آواها و حروف نیز آشنا شوند خصوصیت دیگر این روش این است که در آن سعی می شود هر کلمه حدود پنج بار در درسهای مختلف و با فواصل برنامه ریزی شده تکرار شود تا شکل کلی کلمات کاملاً در ذهن شاگرد جای گیرد (زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸). مزیت عمده روش واژه محور بر روش های حرف محور و آوا محور این است که شاگردان هنگام یادگیری مهارت خواندن با واژه های که دارای (مصدق ملموس) هستند روبرو می گردند دیگر اینکه شاگردان احساس می کند که همان اولین جلسه، مهارت خواندن را می آموزد که این خود سبب می شود تا آنان از انگیزه های قوی تری جهت ادامه کار برخوردار گردند (زندى، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

روش حرف نویسی (ردگیری): روشی است که احتمالاً بیش از دیگر موارد مورد استفاده قرار میگیرد. در این روش از کودک خواسته میشود کلمه راتاهنگام که بتواند با استفاده از حافظه اش بنویسد و سپس آنرا در بافت صحیح بکار گیرد. ردگیری کند با پیشرفت کودک در بافت کلمه های گوناگون مرحله ردگیری به تدریج از بین میرود.

روش تصویر خوانی: یکی از مفیدترین روش در زبان درسی خصوصاً دوره ابتدایه است در این روش یکی از تصویر نگاره را به کودک نشان دهید واز کودک پرسید این تصویر چیست؟ پس از جواب کودک تاکید کنید به کودک بگویید این کلمه را تکرار کند واز آنها بخواهید هر یک از هجاهای آن کلمه را به زبان آورد وآن کلمه را هجا به هجا بیان کند آن کلمه را بطور شفاهی هجی کند و سپس با انکشت آن کلمه را حرف نویسی کند که با این کار کلمه خوبتر در ذهن جانشین میشود و باعث رشد مهارت زبانی و انکشاف ذهنی میشود (پورسلطانی، رحمنی، ۱۳۹۳). استفاده از تصویر برای برقراری ارتباط وسیله خوب است که انسان ها میخواهد به شکل مؤثرتر و مستقیم تری بایک دیگر ارتباط برقرار کنند هم چنین اگر واژه در اختیار نداشتیم شاید بهتر میتوانستیم یکدیگر را درک کنیم عده ای معتقدند که یک تصویر معادل هزار کلمه است. یکی از خصوصیات ذهنی انسان است که زود مجذوب تصاویر می شود به بیان دیگر تصاویر می توانند یک عبارت را مستقیماً بیان کنند و وسیله ادراکات بصری معنای آن چه را که دیده می شود با فاصله دریافت کند. در یک تصویر، واحدها و اجزای مستقل بصری کنار یکدیگر ادغام می شود و معنای خاصی را بوجود می آورند دریافت و فهم این گونه معانی به مراتب سهل تر از فهم معانی در جملات زبان است زیرا نیازی به ترجمه ی آن ها نیست و معنا مستقیماً قابل دیدن است (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۵۳).

روش حل مسأله : این یکی از روش های مشارکتی در تدریس است. که کاربرد زیاد دارد گرچی برخی این روش را بیشتر با الگو انفرادی سازگار

داشته اند، ولی تجربه نشان میدهد که کار برد این روش به صورت گروهی مؤثرتر از الگوی انفرادی است. و در تعریف این روش چنین آمده است حل مسئله فرایندی است برای کشف، توالی و ترتیب راه های که به یک هدف یا یک راه حل منتهی میشود. سپس باید توجه داشت که در فرایند حل مسئله فقط جواب اهمیت ندارد بلکه فرایند رسیدن نیز مورد توجه است. در این روش ابتدا معلم باید؛ مسأله را مشخص کند، سپس به جمع آوری اطلاعات توسط شاگردان پرداخته میشود و بعد از جمع آوری اطلاعات به اساس اطلاعات جمع آوری شده. شاگردان فریضه سازی و در نهایت فریضه های را آزمون و نتیجه گیری میکنند. اگر این روش درست انجام شود سبب بارش مغزی میشود. بطور کلی اگر نظام آموزش و پرورش بخواهد در جهت تقویت زمینه های بالقوه خلاقیت نقش ایفا میکند همان است روش های تدریس حل مسئله و بارش مغزی در صنف درسی توسط معلمان است (زندى، ۱۳۹۰، ص ۲).

در این روش باید به دو مورد توجه زیاد شود.

۱. تجارب قبلی شاگردان و ایجاد شرایط برای فراخوان آنها

۲. رسیدن به راحل که قبلاً برای فرد ناشناخته بوده است (مقرب الهی، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

روش ایفای نقش (نمایش): در این روش شاگردان به عنوان هم بازیگر و هم تماشاگر، و معلم به عنوان کارگر موضوعی را به صورت نمایش اجرا میکند

، در این روش شاگردان هم ضمن بازی نمایش و هم مشاهده ای بازی میکنند(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲). از ویژگی های مهم روش ایفای نقش اینست که زبان آموزان با نمایش و بازی گران آن، ارتباط عاطفی برقرار میکنند. همچنان این شیوه برای مقابله باکم روئی و خجالتی بودن برخی زبان آموزان که کار زبان آموزی مشارکت کمتر دارند. بسیار مفید است(مرتضوی زاده، ۱۳۹۲، ص ۴). این روش تدریس یادگیرنده گان را با واقعیت های رفتاری، زندگی اجتماعی و شرایط روبرو میکند.

مراحل اجرای روش ایفای نقش

۱. انتخاب بازیگر
۲. آماده سازی
۳. بیان اهداف
۴. اجرای نمایش
۵. پرسش و پاسخ
۶. شرح و توضیح (اکبری ۱۳۹۴، ص ۱۳۳).

محاسن روش ایفای نقش

۱. تقویت مهارت های گوش کردن، مثل دقت، توجه، تمرکز حواس
۲. تقویت مهارت های صحبت کردن مثل رعایت مثل تلفظ صحیح کلمات و عبارات
۳. تقویت مهارت های ارتباطی، مثل رعایت نوبت، اطلاع رسانی همکاری زبان بادیگران
۴. ایجاد فرصت برای هم برای برنامه ریزی رفع مشکلات زبانی(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳).

روش قصه گوئی: قصه گوئی یکی از قدیمی ترین، مردمی ترین و موثرترین هنر ها است. هنریکه نه در روی صحنه، بلکه در کنار کودکان، معلمین و اولیا کودکان غالباً دیده اند که یک داستان جالب چگونه یک عده کودک ستیزه جو را با هم دوست و متحد کرده است. ولی این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که تأثیر قصه بدون زحمت انجام نمی گیرد. بلکه باید داستان، خوب آموخته وبه خاطر سپرده شود وهمچنان بازگویی گردد که توجه کودکان بازی گوش را نیز به خود جلب کند وچون حفظ کردن قصه، کاری نسبتاً دشوار است احتیاج به مطالعه دقت فراوان دارد این سوال پیش می آید که چرا اصولاً داستان را از روی کتاب برای کودکان نخوانیم؟ جواب این است که داستان گوئی مستقیم تر از کتاب خوانی است در قصه گوئی بین معلم و کودک کتابی وجود ندارد وچون کودک به

صورت وچشمان معلم خیره می شود. هر نوع تغییر حالت معلم در او تاثیر می گذارد، به شوخی های قصه می خندد و از حوادث آن به هیجان می آید و علاوه بر محتوای داستان لذت که معلم در گفتن داستان می برد می گیرد، به وجود می آید. شما هم کودک میبینید و نشاط و شما را افزایش می دهد. از طرفی، رابطه نزدیک بین قصه گو و کودک باعث میشود که گوینده هر نوع اشکالی را که در درک داستان برای کودک پیش می آید در چهره او ببیند و کوشش کند تا کلمه و یا جمله نامفهوم را با او بفهماند خلاصه میتوان گفت داستان گویی گرم و دوستانه است کودک خیلی راحت تر میتواند مطلب را بفهمد و بیبذرد. همچنین به تجربه ثابت شده است که اجزای برنامه داستان گویی و داستان خوانی عامل موثر در بالا بردن سطح کتاب خوانی کودکان است و قبل از آن کودک قدرت مطالعه کتاب را بیابد به راحتی میتواند به دنیای کتاب وارد شده و بین خود و کتاب رابطه عمیق و عاطفی ایجاد کند. قصه یا داستان یک استراتژیی پر اهمیت است که معلمان باید در تدریس از آن استفاده کنند. خواندن و قصه گوئی یک بهبود مهارت های حرف زدن و گوش دادن اطفال محسوب میشود اطفال به قصه ها گوش میدهند و از آن لذت میبرد بدین لحاظ تشویق گردیده تا خواندن را آموخته و در آخر خودش قصه بنویسد(آقامشفق، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

از قصه گوئی به سه صورت میتوان در تقویت مهارت های زبانی و ارتباطی شاگردان استفاده کرد.

الف- معلم در نقش قصه گو: در این حالت وقتی معلم در حالت قصه گفتن است مهارت های گوش دادن شاگردان تقویت میشود، و سپس از پایان قصه هم میتواند با پرسش و پاسخ و بحث و گفتگو به گسترش داستان و بحث در باره پیام ها و نتایج قصه اقدام کند.

ب- شاگرد در نقش قصه گو: در جریان قصه گوئی هر شاگرد مهارت صحبت کردن او تقویت میشود و معلم نیز با دعوت از دیگران برای خوب گوش کردن مهارت های شفاهی زبان کودکان را ارتقا میدهد.

ج- شیوه تلفیق فعالیت های شاگردان: در این شیوه معلم قصه گوئی خود را توقف میدهد و سپس از شاگردان میخواهد قصه ناتمام او را تکمیل کند این روش باعث شکوفائی خلاقیت زبانی شاگردان میشود و آن ها از فعالیت زبانی خود رضایت بیشتری حاصل میکنند.

فواید روش قصه گوئی

۱. تقویت مهارت های گوش دادن، صحبت کردن، شناخت وقایع، انسجام کلام
۲. افزایش دخیروی واژگان شاگردان فراتر از محتوای کتاب درسی
۳. علاقه مندی به خواندن متن قصه های گفته شده(زندى، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

خصوصیات قصه خوب

۱. ساده و عام فهم باشد
۲. جالب و دلچسپ باشد
۳. مشکل داشته باشد (مشکل را بیان کند)
۴. راه حل داشته باشد
۵. آغاز و انجام داشته باشد
۶. پیام داشته باشد
۷. نتیجه داشته باشد
۸. آموزنده داشته باشد
۹. جنبه های اخلاقی داشته باشد (آقامشقیق، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

روش بحث گروهی: در روش بحث گروهی شاگردان در باره یک موضوع که مورد علاقه مشترک همه آنها است بحث و گفتگو میکند این روش بخاطر مفید است که همه شاگردان در فعالیت های یادگیری و یاد دهی شرکت میکنند و مسؤلیت یادگیری خود را به عهده میگرد که باعث بحث گروهی بحث کردن در گروه خود و یا از گروه دیگران یاد میگیرد. این روش در تقویت توان ارتباطی شاگردان مفید است. و شاگردان را در فعالیت های اجتماعی آماده میکند (زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰). در این روش معلم را به عنوان محرک شروع کننده بحث و رهنما تصور کرد معلم طوری سوال یا مسئله را مطرح میکند که شاگردان را به پاسخگویی یا حل مسئله تشویق کند. این شیوه در دو مورد کاربرد خاص دارد.

الف: وقتی که معلم می خواهد مفهوم جدید را به فراگیران بیاموزد

ب: هدف معلم این است که ذهن شاگردان را به فکرو جستجو و دارد (مرتضوی زاده، ۱۳۹۳).

روش حفظ و تکرار: روش حفظ و تکرار از روش های است که قرن هاست در جوامع انسانی کاربرد دارد در این روش به حافظه سپردن مطالب و تکرار آنها و به اصطلاح پس دادن مطلب به معلم، مهمترین کار تلقی میشود در این روش، معلم درسهای را بصورت شفاهی ارائه میدهد از روی کتاب به صورت مکتوب به شاگردان انتقال داده میشود وظیفه این شاگردان اینست که با تکرار و حفظ کردن مطالب، آماده یاد آوری و بازگویی مطالب شود هرچیز به علت مکانیکی بودن این روش که عدم فعالیت واقعی شاگردان به دنبال دارد.

روش پرسش و پاسخ: این روش از پرکارترین روش های است که معمولاً همه معلمان در دوره ابتدائیه، به ویژه در تدریس مهارت های زبان دری از آن استفاده میکنند. در این روش معلم میتواند شاگردان را به تفکر بیشتر در باره مفهوم جدید ویا بیان بهتر مطلب خود تشویق کند(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱).

معلم وقتی میخواهد مفهوم دقیقی را در صنف مطرح کند با توجه شاگردان را به موضوع بیان کند(مرتضوى زاده، ۱۳۹۲، ص ۵).

محاسن روش پرسش و پاسخ

۱. اعتماد به نفس شاگردان را در سخن گفتن و استفاده از مهارت های زبانی شفاهی افزایش میدهد
۲. باعث علاقمندی آنها در مشارکت فعالیت های یادگیری و یاد دهی میشود
۳. قدرت استدلال و برقراری ارتباط با دیگران را افزایش میدهد
۴. انگیزه بیشتری را در آن ها جهت خواندن و مطالعه به منظور یافتن پرسش و پاسخ های معلم ایجاد میکند(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).

استفاده از منابع دیداری و شنیداری

استفاده از منابع دیداری و شنیداری در تدریس را در حقیقت نمی توان شیوه منتقل و مجزا دانست. معلم در هرگونه تدریس میتواند از وسایل دیداری و شنیداری کمک بگیری. گاهی میتواند در تدریس از وسایل نظیر رادیو، تلویزیون، ضبط و پخش صوت، نمودار و نقشه استفاده کند مثلاً معلم در هنگام سخن رانی از تصویر استفاده کند که برای نمایش دادن یک رابطه علمی از نمودار کمک بگیری که این روش باعث برانگیختن و کنجکاوی و تشویق کودکان خصوصاً دوره ابتدائیه میشود و خوبتر در ذهن شان جا میگیرد(مرتضوى، ۱۳۹۲).

روش گردش علمی: گردش علمی فالیت یا تجربه است که خارج از صنف صورت میگرد و شامل مطالعات مستقیم و دست اول درباره یک مسئله یا جمع اطلاعات از طریق مشاهده پرسشنامه، مصاحبه اندازه گیری و سایر فنون میباشد(مقرب الهی، ۱۳۹۵).

گردش علمی به شاگردان موضوع میدهد که از طریق مشاهده طبیعت وقایع فعالیت ها و اشیا و مردم تجربه علمی بدست آورد. در گردش علمی شاگردان مطالب را که در صنف خوانده آنها در ذهن می پروراند و در مورد آن کنجکاوی میباشد(مرتضوى زاده، ۱۳۹۲، ص ۸).

بعضی ها تصور میکنند که گردش علمی صرف برای تقویت علوم تجربی است اما به نظرما گردش علمی وباز دید از مراکز فرهنگی، گذراندن اوقات رسمی درس در فضا طبعی و در دل کوه ها، سبزه زارها فضا لازم را برای ارتباط زبانی و تقویت این مهارت در شاگردان فراهم میکند(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵).

روش بازی آموزشی: استفاده از بازی های آموزشی به یادگیری مهارت های زبانی و ارتباطی منجر خواهد شد که عبارت از:

الف- بازی تکرار سکوت: پس از تدریس درس، شاگردان را به دو دسته تقسیم کنید و برای یک نوع واکنش زبانی از خود نشان دهد. مثلاً یک گروه نام رنگها که شنیدن را تکرار کند و گروه دیگر نام حیوانات جان دار راه در غیر آن سکوت کنید. **ب-** بازی مخالف ها: در این بخش معلم نام چیزی را گرفته و در مقابل از شاگردان میخواهد که مخالف آنرا بگوید مثلاً گرم، سرد وغیره.

ج- بازی گسترش جمله: در این بازی معلم جمله کوتاه و ناقص میگوید و از شاگردان میخواهد که گسترش داده آن جمله راه درست کنند.

د- بازی صحبت کردن درگوشی: معلم یک جمله را در گوش اولین شاگرد میگوید و شاگرد باید جمله را به شاگردان بعدی بگوید سپس معلم از شاگرد اولی و آخر درخواست میکند که جمله را به صدای بلند تکرار کند(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

روش کتاب خوانی: در این روش معلم کتاب را میخواند و شاگردان گوش میکند که زیادتیر در صنف اول معمول است و در صنف های دوم و سوم باید توسط شاگردان خوانده شود، معلم همچنان باید بر علاوه کتاب های درسی کتاب های دیگر علمی، بهداشتی، داستانی و تاریخی را در هفته یک ساعت به شاگردان بخواند که از طریق مهارت های گوش کردن شاگردان تقویت میشود در این روش معلم باید در هنگام کتاب خواندن آهنگ جمله های خبری، پرسشی و غیره تأکید و مکث ها را در طبقه های لازم مراعات کند. در صنف اول تشویق شاگردان به خواندن کتاب های تصویری میتواند سر آغاز تشویق آن ها به مطالعه و کتاب خوانی که با این روش مهارت خواندن کتاب آن تقویت میشود. بازگو کردن موضوع کتاب در صنف، خود موجب رشد مهارت های شفاهی زبان میشود زبانی میشود(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹).

روش سخن رانی: روش سخن رانی جز روش توضیحی با لکچر محسوب میشود اما از اینکه روش سابقه و هویت تاریخی دارد به عنوان روش مستقل از آن نام میبرد. در روش سخن رانی از گفتار شفاهی برای توضیح و تفهیم مطالب استفاده میشود به نظر بعضی از دانشمندان یک بر پنجم یا یک بر ششم وقت فعالیت های آموزشی صرف سخن رانی می شود(حضرتی، ۱۳۹۴، ص ۴۱). در سخن رانی می توان معلم را به عنوان پیام دهنده و شاگردان را به عنوان پیام گیرنده تصور کرد از این نظر سخن رانی شیوه است یک سویه برای انتقال معلومات که معلوماً فراگیر در آن نقش غیر فعالی دارد محتوای سخن رانی را معلم قبل از ورود به صنف تعیین میکند(مرتضوی زاده، ۱۳۹۲، ص ۶). روش سخن رانی بنام روش تقریری نیز یاد میشود و یگانه نقص این روش اینست که معلم فعال بوده ولی شاگردان فعالیت را انجام نمیدهد و در صنف اول یا دوره ابتدائیه کارائی خود را از دست داده زیرا یگانه ویژگی زبان پدیده ارتباطی است که یاد دهنده یا یادگیرنده باید باهم در تعامل باشد در حالی که سخن رانی یک روش یک طرفه است، بناً در زبان دری کارائی خود را از دست داده(زندى، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹).

اصول آموزش زبان دری

۱. در آموزش زبان دری باید به رشد همه جانبه مهارت های زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن توجه شود.
۲. همانطوریکه زبان در یادگیری درس های دیگر مؤثر است مهارت ها و فعالیت های یادگیری در تقویت (توان زبانی و ارتباطی کودکان مؤثر است بنا همه معلمان باید متون درسی همانند متن کتاب دری در راه تحکیم و تقویت مهارت های زبانی شاگردان به کارگیرد.
۳. مهم ترین هدف در دوره ابتدائیه یادگیری برای خواندن است.
۴. در دوره ابتدائیه کودکان به تقلیدی می پردازد بنابراین این هر معلم باید بهتر گوش دادن و سخن گفتن، ساده نوشتن و روان خواندن از خود الگوی زبانی و ارتباطی مبنایی برای شاگردان خود را ارائه کند.
۵. توجه کافی به اصل تکرار و تمرین شاگرد محوری راه گشای تسلط کودکان بر مهارت های زبانی است.
۶. در آموزش مهارت های زبانی در دوره ابتدائیه باید ارتباطی بر رویکرد دستوری ترجیح داده شود
۷. همه تصمیمات معلم در اجرای فرایند یادگیری و یاد دهی باید در خدمت یادگیری مهارت های زبانی باشد.
۸. در دوسال اول ابتدائیه، محور اساسی آموزش از جمله آموزش مهارت های زبانی بازی است.
۹. پرورش روحیه محقق در خصوص مسایل زبانی را وجه همت خودشاگردان خود قرار دهد.
۱۰. اصل انعطاف پذیری (روش تدریس پویا وتوجه به تفاوت های فردی) در امر زبان آموزی میزان احترام به فردیت کودک و استفاده از برنامه درسی سازمان یافته نکته بسیار حساس است (زندى، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

راهبرد های آموزش زبان دری

راهبرد نمایش عملی: در این راهبرد عملاً چیزی به شاگرد نشان داده میشود و از شاگردان پرسیده میشود که آن را معرفی کند و شاگردان آنرا تکرار کند.

راهبرد نگاه کن و بگو: در این راهبرد تصویری از اشیا کشیده میشود و به شاگردان نشان داده میشود که با نگاه کردن به آن آنرا تلفظ کند.

راهبرد بازی آموزشی: در این راهبرد شاگردان را به دو گروه تقسیم میکند از آنها میخواهد که کلمات را بشنود و جواب بدهد مثلاً گروه اول نام حیوانات گروه دیگر نام رنگ ها.

راهبرد بحث و گفتگو: در این راهبرد شاگردان صنف ابتدائیه آماده نیستند با استفاده از موضوعات ساده و گفتگو های کوتاه مدت میتواند تا اندازه زیادی در ماه های میانی به بعد تحصیلی از این راهبرد استفاده کند.

راهبرد داستان گویی: در این راهبرد به موضوعات ساده تر و با لحن فشرده و سخنان واضح استفاده میکند که شاگردان نیز تشویق کند.

راهبرد خود اشنایی: در این راهبرد شاگردان تشویق میشود که در مورد علایق، وضعیت خانواده گی، آرزو و احساسات خود به زبان ساده برای دوستان خود بیان کند(زندگی، ۱۳۹۴).

نتیجه گیری

در یک صنف سنتی نقش معلم انتقال دانش به شاگردان است. در این صنف هاشاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی، کمتر با موقیعت های چالش آور مواجه اند و فرصت های کمتر برای تعامل، هم فکری، و بحث گفتگو با معلم و همسالان فراهم می شوند؛ بحث گروهی چندانی ندارد؛ شیوه اغلب معلمان سخن رانی است و به ندرت در صنف دیده می شود آموزش به شیوه نظری و کتاب درسی محور تمام فعالیت های صنف است و از رسانه آموزشی بهره گرفته نمیشود که رویکرد معلم محور است و به نتیجه یادگیری تاکید میکند. در این دیدگاه فرایند یادگیری و یاد دهی است پویایی و کارایی لازم برخوردار نیست. در حالی که هدف از آموزش انتقال مطالب از قبل آماده شده به شاگردان نیست؛ بلکه به آنان آموختن که چگونه یاد بگیرند، به حل مسایل بپردازند و مطالب قدیم را به مطالب جدید ترکیب کنند و خود به تلاش لازم دست یابند و آنرا به کار بیزند.

تدریس فعالیتی است که نیاز به خلاقیت، تفکر و عمل دارد. تعامل میان معلم و شاگرد در فرایند تدریس امر محور است. معلم باید عشق به یادگیری داشته و آنرا به شاگردان منتقل کنند. آموزش و پرورش مطلوب باید شامل تجارب نسبتا چالش انگیز باشد. چنانچه بخواهیم شاگردان متفکر، خلاق و مبتکر پرورش یابند باید در آموزش از روش های استفاده کنیم که به پرورش مهارتهای ذهنی و تفکر انتقادی و شیوه حل مسله تاکید کند. حل مسله راهی است برای درگیر کردن شاگردان در جریان یاد گیری و روبرو کردن آنان با مسایل و تلاش برای حل آن. امروز تاکید روش های نوین تدریس بیشتر به پرورش توانایی دانش آموزان در تحلیل و حل مسله است. برای اینکه معلم در تدریس موفق باشد باید در پرورش خلاقیت شاگردان از مهارت خاص و روش های درست استفاده کند. که امروز تاکید اکثر معلمان به روش های فعال است. یعنی روش های که در آن فعالیت شاگردان مورد توجه است. در نتیجه میتوان گفت برای تدریس زبان دری از روش های استفاده کند که بتواند یادگیری خوب تر صورت بگیرد و باعث رشد ذهنی و توسعه شاگردان در همه عرصه ها شود.

فهرست منابع

- ۱- آقا مشفق، سید علی. (۱۳۹۰). مختصر آشنایی با عناصر تعلیم و تربیه. اول. انتشارات سعید.
- ۲- اسمعیلی، رسول. (۱۳۹۱). تعلیم و تربیه استثنایی.
- ۳- اکبری، فریدون. (۱۳۹۴). راهنمای معلم فارسی پنجم ابتداییه. اداره کل چاپ و توضیح کتاب های درسی تهران.
- ۴- بامیانی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۲). تکنالوژی معیلمی و تربیتی. انتشارات سعید.
- ۵- پور سلطانی، مریم. (۱۳۹۳). راهنمای معلم دانش آموز با نیاز ویژه فارسی اول ابتداییه.
- ۶- تلاش، عبدالحمید. (۱۳۸۹). معلومات عمومی تدریس. مؤسسه ملی افغان ها برای آموزش بزرگسالان.
- ۷- حضرتی، غلام دستگیر. (۱۳۹۴). اصول و روش های تدریس. پوهنتون کابل.
- ۸- خالق خواه، علی و همکاران. (۱۳۹۴). مجله مطالعات آموزش و یادگیری. هفتم، شماره دوم. درننگاه محقق اردبیلی.
- ۹- دانش پژوه، زهرا (۱۳۸۵). فصلنامه نوآوری های آموزش. هژده. دانشگاه تربیت معلم.
- ۱۰- رحیمی مند، مریم. عباس پور، عباس. (۱۳۹۴). رابطه روش های تدریس منابع انسانی. دانشگاه علامه.
- ۱۱- زندگی، بهمن. (۱۳۹۰). خود آموز روش تدریس زبان فارسی. هفتم، کتابخانه درسی ایران.
- ۱۲- زندگی، بهمن. (۱۳۹۴). روش تدریس زبان فارسی دوره ابتداییه. انتشارات سازمان سمت.
- ۱۳- شکاری، عباس. (۱۳۹۱). تأثیر یادگیری مشارکتی. دوره پنجم. شماره ۱. فصلنامه راهبرد های آموزشی.
- ۱۴- عارف، غلام عباس. (۱۳۹۴). مقایسه جایگاه مهارت های زبانی. سومین کنفرانس پژوهش های کاربردی در مطالعات زبان.
- ۱۵- عصاره، فریده. (۱۳۹۱). رشد آموزش پیش دبستان. دوره سوم. شماره ۳. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۶- غفاری، خلیل. (۱۳۹۱). فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی. شماره ۱. دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۷- مرتضوی زاده، سیدعلی. (۱۳۹۲). روش های تدریس فارسی ابتداییه. ارشیف نظرات.
- ۱۸- مفیدی، فرخنده. (۱۳۸۷). تأثیر فعالیت های زبانی. تهران.

۱۹- مقرب الهی، زهرا. (۱۳۹۵). روش های نوین تدریس. پیام نور، مرکز تهران.

۲۰- مورمن، چیک. هالر، توماس. (۱۳۹۰). رشد آموزش پیش دبستان. دوره سوم، شماره ۱.

ACKU

به ریاست محترم پوهنځی روانشناسی و علوم تربیتی پوهنتون کابل
سیمنار راکه محترمه (زرغونه "سلیمان خیل") فارغ التحصیل سال 1396 رشته پیداکوژی تحت عنوان
(روش تدریس مضمون دری در صنوف ابتدائیه) تحریر و تکمیل نموده به تاریخ 1396/...../..... در
پوهنځی روانشناسی و علوم تربیتی با حضور داشت استادان و محصلان ارانه نمود و مورد تأیید قرار
گرفت.

هیات ژوری

پوهنځی، محمد بن عبد الرحمن

رحمان

هیات ژوری

پوهنځی، محمد بن عبد الرحمن

محمد بن عبد الرحمن

استاد رهنما: مصطفی رضائی

پوهنځی، محمد بن عبد الرحمن

محمد بن عبد الرحمن

